

خوانش شعر حافظ*

پروفسور سید حسن امین

شاخه‌های مهم زبان شناسی جدید است که در مبحث صوت شناسی مطرح می‌شود و خوانش درست یک متن به ما کمک می‌کند که روابط پیچیده‌ی صداها را کشف کنیم.

بنابراین به باور من بی‌تردید برای این که شعر شاعر بزرگ موسیقی‌دانی هم‌چون حافظ که خود در گزینش کلمات و رعایت توازن و قرینه‌سازی عبارات استاد است، به بهترین وجه، درک و فهم شود، در مرحله‌ی اول، باید اصالت و صحت ضبط آن احراز شود و در مرحله‌ی دوم، در خوانش آن تأکیدها و فراز و فرودهای صوتی به جای خود و با آهنگ مناسب، ملحوظ گردد. یک دلیل عمده که در فرهنگ ایرانی، موسیقی آوازی چنین به دل می‌نشیند و چندین برابر موسیقی بدون کلام، جاذبه دارد، همین خوانش درست شعر فارسی با آهنگ مناسب و ملحون است.

با اطمینان می‌توان گفت که اگر متن آثار شاعرانه، به صورت متن مکتوب یعنی بدون آن که ملفوظ و ملحون باشد، کتاب‌وار با سرعت قرائت شود، بخش عمده‌ی آن از لطافت و زیبایی خود را از دست می‌دهد. از یک سو، نغمه‌ی حروف، انطباق الحان و گوش‌نوازی واژگان تنها با خوانش صحیح شعر مقدر و ممکن می‌شود و از سوی دیگر احساسات درونی شاعر، از رهگذر مجموعه‌ی صوتی و اشعارش یعنی با ضرباهنگ کلام یا چینش و ترکیب مناسب و هماهنگ واژگان، به شنونده منتقل می‌شود و این همان خوش‌نوازی Euphony صوت Intonation یا تنالیته‌ی Tonalität احراز ضبط صحیح شعر، امری تخصصی و در حوزه‌ی تصحیح انتقادی متن با مراجعه به نسخه‌های مقدم و مقایسه و مقارنه‌ی آن‌ها برای تشخیص نسخه‌ی اصیل و صحیح است. بنابراین خوانش درست شعر، مستلزم انتخاب نسخه‌ی صحیح نیز هست و این کاری‌ست که در دهه‌های اخیر چندین تن از اهالی شعر و ادب در داخل و خارج از کشور به انجام رسانده و لوح فشرده‌های صوتی آن را به بازار عرضه کرده‌اند. ضبط این خوانش اما به شیوه‌ی مکتوب، ابتکار جالب دکتر محمد ربیع است که با

□ شعر به معنای گره‌خوردگی عاطفه و تخیل در زبانی آهنگین، در سطح جهانی، یکی از هنرهای هفت‌گانه و در قلمرو ایران فرهنگی، مهم‌ترین و بهترین و فراگیرترین هنر ایرانیان است. شعر در ذهن ایرانیان بیش از هر اثر هنری دیگری تأثیر گذاشته و در حافظه‌ی جمعی ایرانیان نفوذ کرده است. اساساً، ایرانیان شاعرانه‌ترین مردم جهان‌اند و ادبیات منظوم فارسی، یکی از مهم‌ترین عوامل بقای وحدت و پایداری هویت فرهنگی و تاریخی ملت ایران بوده و هست.

از میان شاعران بزرگ پارسی‌زبان، فردوسی، مولوی، سعدی، خیام و حافظ هر کدام مقامی معلوم و جایگاهی ویژه در گستره‌ی ایران فرهنگی داشته و دارند اما از آن میان خواجه حافظ شیرازی (وفات ۷۹۱ هجری قمری برابر ۱۳۸۹ میلادی) بی‌گمان محبوب‌ترین شاعر ایرانی است. شواهد این مدعا عبارتند از:

- ۱- سنت نفال به دیوان حافظ در خلوت و جلوت و گذاشتن آن (و نه هیچ کتاب فارسی دیگر) بر سر سفره‌ی هفت سین نوروزی و سر سفره‌ی عقد زناشویی و نیز در جشن یلدا و گرفتن فال در شب یلدا با دیوان حافظ.
- ۲- هم‌چنین کثرت تعداد کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های پژوهشی، ادبی و تاریخی درباره‌ی حافظ.
- ۳- چاپ‌های متعدد دیوان او با انواع و اقسام خطاطی و نگارگری و کتاب‌آرایی.

تولید و نشر دیوان حافظ به خوانش دکتر محمد ربیع، نیز شاهده‌ی صادق بر اثبات این مدعاست اما ارزش و اعتبار آن، به جهت ویژگی ابتکاری‌اش، بسیار فراتر از چاپ‌های مشابه است و این نکته محتاج تبیین دقیق است.

شعر، اساساً یک هنر کلامی شفاهی‌ست. بنابراین، خوانش شعر، مهم‌ترین و عمده‌ترین راه احراز جلوه‌های هنری آن و بهترین وسیله‌ی ابراز و اظهار روابط نظام‌مند آن است. این مقوله، یعنی کشف رمز و رازهای پاره‌صوت‌ها، کلمات و عبارات، یکی از

استاد احمد - بطوراً دیوان حافظ بیوست - مستشرق در خارج کشور برای انتشار در ایران به انتشارات چاپش واصل گردیده است که سر آن اشعار شاعر مشهور ایران را به سبک جدیدی شریف کرده اند.

از آنجا که در دوران معاصر هیچکس را جزو و واجد شرایط نر از دانشمندی در فرهنگ و ادب فارسی مخصوص حافظ شناسی نمی شناسیم - از آن خاطر درخواست می گردد - ضمن ملاحظه مقدمه و اصل دیوان مذکور برای چاپ یا عدم آن «سؤال انتشارات چاپش را» نامشروع فرمائید در صورت تقویت - سبب انتشار و امتنان فراوان خواهد بود که به دیور مقدمه ای با قلم آن استاد فریخته هم آراسته گردد.

بازگشت مجدد اصل دیوان واحد موجود و نظریه و مقدمه آن جناب به انتشارات چاپش سرید سپاس و تشکر خواهد بود

با تجدید احترامات و عرض ارادت دائمی

دکتر سید معتمد التیغی نقاش



تقدیم

نهایت دقت، کار خوانندگان بویژه نسل جوان را آسان کرده‌اند و جای خالی چنین اثری را در حوزه‌ی حافظ‌خوانی و حافظ‌شناسی پر کرده‌اند.

امروز، مسلّم است که فرکانس (= بسامد) صوتی هر فرد انسانی، درست همانند نشانه‌های انگشت هر کس که در انگشت‌نگاری مشخص می‌شود، ویژه‌ی خود اوست و از هر فرد دیگری متمایز و متفاوت است. در عین حال، گویش‌های گروهی و لهجه‌های قومی، جمعی و طبقاتی هم در اثر توأمان عوامل ژنتیک و فرایند فراگیری زبان اول در دوران کودکی و نوجوانی در وجود هر کس نهادینه می‌شود. ابن‌سینا، رساله‌ی با عنوان «مخارج الحروف» یا «اسباب حدوث الحروف» دارد که به این شاخه‌ی مهم از زبان‌شناسی که همان صوت‌شناسی است، می‌پردازد و طی آن نظریه‌های قابل ملاحظه‌ی در خصوص صوت‌شناسی و زبان‌شناسی ارائه می‌دهد. حال، صرف نظر از همه‌ی آن مباحث، صرف تلفظ صحیح کلمات و عبارات، برابر زبان معیار یا زبان نزدیک‌تر به گوینده اولی (اعم از این که به قول متکلمان «کلام» را قدیم بدانیم یا حادث و یا به قول فیلسوفان آن را قراردادی و وضعی بدانیم یا طبیعی و طبعی) موضوعیت دارد. به همین دلیل، خوانش صحیح واژگان و تلفظ درست آن‌ها، براساس زبان معیار، همیشه به عنوان «روخوانی» یکی از ابتدایی‌ترین گام‌ها در راه فهم بهتر متون معتبر بوده است، چنان که در روخوانی قرآن مجید، علت غائی تأسیس علم تجوید، همین خوانش درست تک‌تک هجاها و رعایت

دقیق و به جای موارد وقف و وصل است.

حافظ به خوانش دکتر ربیع، قرائت جدیدی = ورسون تازه‌ی بی‌تصحیح انتقادی دیگری از دیوان حافظ نیست بلکه همان متن معروف و معتبر تصحیح شده‌ی شادروانان علامه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی‌ست. آن چه هست، کتاب حاضر، خواننده را بسیار کمک می‌کند که همان متن قدیم را از جهت بار مفهومی و برای فهم بهتر مضامین از یک سو و درک بیش‌تر وجوه زیباشناختی شعر از سوی دیگر چگونه «تقطیع» یا «تجزیه و ترکیب» صوتی و کلامی کند و به عبارت دیگر، فواصل کلام و سکوت، یا تأکید بر واژه و عبارت، یا تقسیم بیت و مصرع، به شکل قابل درک و آهنگین، کار کارستان دکتر محمد ربیع است.

دکتر ربیع در مقدمه‌ی جامع و متینی که خود بر این کتاب نوشته است، توضیحات کافی و وافی در تبیین این خوانش به دست داده؛ من به همین اندازه بسنده می‌کنم و خوشحالم که چاپ این کتاب ارزشمند را با این شیوه‌ی ابتکاری به انتشارات چاپخش توصیه کنم. اطمینان دارم که خوانندگان بویژه نسل جوان نیز از خریدن و خواندن این نسخه از دیوان حافظ محظوظ خواهند شد.

اهمیت کار دکتر محمد ربیع وقتی بهتر و بیش‌تر آشکار می‌شود که متن حاضر را با چاپ‌های نفیس حافظ که با خط خوش و کاغذ اعلا و گاهی مینیاتورهای زیبا چاپ شده است، قیاس کنیم و به گوش‌نوازی شعر حافظ بیش از چشم‌نوازی متن مکتوب آن عنایت داشته باشیم. تقطیع‌هایی که پیش از این از دیوان حافظ به چاپ رسیده است و خود من نیز بر یکی از آن‌ها که توسط انتشارات دایره المعارف ایران‌شناسی چاپ شده است، به پارسی و انگلیسی مقدمه‌ی مفصلی نوشته‌ام، همه «تقطیع عروضی» بوده‌اند که کاری‌ست ادبی و در حوزه‌ی تخصصی کارشناسان فن عروض، اما کار ارزشمند دکتر ربیع، یک «تقطیع صوتی و زبان‌شناختی» است که غزلیات حافظ را نه از نگاه «افاعیل عروضی فاقد معنی» بلکه از منظر «اصوات پیام‌دار» حافظ، تقطیع کرده است. این سبک تقطیع مفهومی‌ست که خواننده را در خوانش درست یعنی کشف پیام واقعی حافظ کمک خواهد کرد.

از باب ارائه‌ی نمونه‌ی خوانش دکتر ربیع، چیدمان اولین غزل دیوان حافظ از کتاب حاضر که اول‌بار در سال ۱۳۸۸ در خارج از کشور چاپ شده است، در زیر نقل می‌شود:

**الایا انہا السافی
ادز کاسا
و ناولها !**

**که تنسی اسباب نمود اول
ولی افساد
مسکلتها**

به سوی نافه ای کانی
صفا
را طره بکساند

رباب ز بعد ز مسکلت
چه خون افیاد
در دلهها

مرا بر سیرک ز جانان
چه امی ز عینس ؟
چون فریدم

خوس فریاد می دارد
که بر سدید
محملها

به می
سجده رنگی کی
گرت بر ز سغان گوید

که سالی
بی خبر نمود
ز راه و رسنه ز سیرکها

سب ز بارک و
ساز موج و
گردانی حسن شافل

کجا دارم
چال ز ما
سختاران ز ساجلها !

شمه کارم ز خود کاسی
به بدنامی
کسب اجرت

بهان
کی ماند از راری ؟
گر او سارید محفلها

حضور کر شمه ز خوانس
از او غارت
مسو حافظ !

مدی ما بلون می بهوی
دع ز الدنیا
و اهملها

در بررسی دیوان حافظ به خوانش دکتر ربیعہ، ممکن است کسی به دلایلی هم چون آگاهی‌های بیش‌تر یا کم‌تر ادبی، تفاوت در ذائقه‌ی ادبی و سلیقه‌ی هنری در مورد تقطیع بعضی مصرع‌های شعر حافظ با تدوینگر حاضر موافق نباشد و پیشنهادهای دیگری را بر نسخه‌ی تقطیع شده‌ی حاضر در بعضی جاها ارائه دهد. برای مثال، در مقطع غزل آغازین حافظ، عبارتی که دکتر ربیعہ «از او غایب / مشو حافظ» نوشته است، باید «از او غایب مشو / حافظ» باشد. داوری در راجح و مرجوح شناختن آن پیشنهادهای مصداقی و موردی، حق صاحب‌نظران و حافظ‌شناسان دیگر است، اما گمان نمی‌کنم که هیچ حافظ‌شناس و حافظ‌دوستی بتواند اهمیت این کار ابتکاری و بی‌سابقه در تقطیع اصوات پیام‌دار (و نه افاعیل عروضی) شعر حافظ را انکار کند. من به نوبت ناقابل خود، زحمات دکتر ربیعہ را در این خوانش از حافظ می‌ستایم و به او دست‌مریزاد می‌گویم و از مسوولان بزرگوار انتشارات چاپخش نیز که در این باب از من نظر‌خواهی کرده و مقدمه‌ی مرا خواستار شدند، سپاس دارم. ■

* این مقاله به درخواست دکتر نظام‌الدین قهاری به عنوان مقدمه‌ی بر کتاب حافظ به خوانش دکتر محمد ربیعہ از انتشارات چاپخش به چاپ رسیده است.

**غوغای ستارگان
بزرگداشت مهندس همایون خرم**



مجلس بزرگداشت مهندس همایون خرم به مناسبت انتشار خاطرات هنری‌اش با عنوان غوغای ستارگان روز پنجشنبه ششم خرداد ۱۳۸۹ در فرهنگسرای هنر = ارسباران با حضور انبوهی از استادان هنر موسیقی و شعر و ادب برگزار شد. سخنرانان و موسیقی‌دانان اجراکننده‌ی این مجلس باشکوه (به مدیریت انتشارات بدرقه‌ی جایدان و موسسه‌ی نغمه‌ی شهر) که به وسیله‌ی سید عباس سجادی اجرا شد، عبارت بودند از:

۱- فرهاد فخرالدینی که در شماره‌ی قبلی حافظ طی مقاله‌ی بی‌به قلم امین‌الله رشیدی عکس او زینت بخش او ماهنامه‌ی حافظ بود و در مجلس بزرگداشت همایون خرم هم که در کنار پروفسور امین نشسته بود اعلام کرد که اولین بار مجله‌ی حافظ را از دست عزیز شفیعی کدکنی دریافت کرده است.

- ۲- دکتر محمدحسینی، خواننده‌ی مشهور و پرطرفدار که شعری از حاج ملاهادی سبزواری را در مقدمه‌ی اجرای خود خواند و از حسن تصادف مجله‌ی شماره‌ی ۶۹ حافظ که به او هدیه شده بود شامل شرح حال حکیم سبزواری به قلم مرحومان امیری فیروزکوهی و حسن نبوی بود.
- ۳- انوشیروان روحانی استاد برجسته‌ی پیانو که هماهنگ با ویلون استاد همایون خرم مجلس را مبهوت هنرنمایی خود کرد.
- ۴- امیرعلی تاجبخش و مادر هنرمندش که توأمان به اجرای قطعه‌ی بی‌استاد معروفی اجرا کردند.
- در اواخر مجلس استاد علیرضا تبریزی سخنور و شاعر معاصر فی‌البديهه سخنانی در بزرگداشت اهالی شعر و هنر بیان داشت.